

مرد موتور سوار با انگیزه‌ای نامعلوم با پاشیدن اسید روی مردی در یکی از محله‌های شمال غرب تهران او را مصدوم کرد. به گزارش خبرنگار جام جم، روزهای پایانی هفته گذشته صدای فریاد و ناله‌های مردی سکوت شهرک ژاندارمری در شمال غرب تهران را درهم شکست. مردم با شنیدن این فریادها سراسیمه از خانه‌هایشان بیرون آمدند. آنها مردی را دیدند کنار خیابان افتاده و سر و صورتش را گرفته و فریاد می‌زند سوختم سوختم، این

حمله اسیدی

به مردی در خیابان

گفت وگو با خانواده مرد ایرانی که برای نجات جان ۱۵۰ زائر اربعین در کربلا آسمانی شد

روایت از جان گذشتگی ناجی زائران اربعین



همراه دو مرد عراقی به کمک مسافران رفت. همزمان آتش نشانان عراقی نیز به هتل اعزام شدند. برادرم مسافران را به سرعت به بیرون از هتل هدایت کرد و سپس سراغ بقیه اتاق‌ها رفت. او تا طبقه آخر هتل رفت تا ببیند فرد دیگری هم گرفتار آتش شده است یا خیر. متأسفانه شدت حریق به حدی بود که برادرم در میان شعله‌ها گرفتار شد و ناگهان بارانی از آتش گداخته روی بدن او ریخت و دچار سوختگی شدید شد. پس از اعزام اورژانس و با توجه به شدت سوختگی قرار شد برادرم با بالگرد منتقل شود که به دلیل نقص فنی؛ این همکاری میسر نشد و برادرم یک روز در بیمارستان بغداد بستری و از آنجا به یکی از بیمارستان‌های شهر ایلام انتقال یافت. با من هم تماس گرفتند و گفتند برادرت دچار سوختگی شده است. در ایلام هم یک روز بستری بود و پس از آن به بیمارستان سوختگی شهید مطهری تهران اعزام شد.

[۱] در بیمارستان مطهری گویا شرایط بهتری داشت.

بله. تا همین دو روز پیش شرایط او عادی بود و با ما از پشت پنجره بخش مراقبت‌های ویژه صحبت می‌کرد؛ به طوری‌که سرپرستار و پزشکان بخش گفتند وضعیت او بهتر شده است اما ناگهان حالتش رو به وخامت گذاشت و پس از حدود ۴۰ روز بستری در این بیمارستان به رحمت خدا رفت. یکی از عراقی‌هایی هم که به برادرم کمک می‌کرد جانش را از دست داد.

[۲] علت آتش‌سوزی چه بود؟

گفتند ژنراتور برق هتل در اثر گرمای شدید آتش‌گرفته و حریق به بخش‌های دیگر سرایت کرده بود.

[۳] قبل از آسمانی شدن با ایشان در مورد روز حادثه صحبت کردید؟

بله. به من گفت وقتی صدای کمک‌خواهی زائران ایرانی را شنیدم،

در حالی بود که مرد موتورسواری را دیدند که در حال فرار است. مردم با پلیس و اورژانس تماس گرفتند و او را به بیمارستان منتقل کردند. مرد مصدوم که دچار سوختگی شده بود تحت درمان قرار گرفت. ماموران در بیمارستان حاضر شده که مرد مصدوم گفت: برای انجام کاری از خانه بیرون آمدم. فردی از پشت سر صدام زد. وقتی برگشتم موتورسواری نقاب دار محتویات بطری را که در دستش بود به رویم پاشید. سر و صورتم و دستانم می‌سوخت.



فریاد زدم و از مردم کمک می‌خواستم که آنها با شنیدن فریادهایم مرا به بیمارستان رساندند. نمی‌دانم آن فرد اسیدپاش چه کسی بود و با چه انگیزه‌ای این بلا را سر من آورد. با جمع‌بندی این اطلاعات و با دستور بازپرس کشیک دادسرای جنایی تهران تحقیقات ماموران پلیس آگاهی پایتخت برای دستگیری مرد اسیدپاش آغاز شد. پلیس احتمالی می‌دهد که این اسیدپاشی با انگیزه اختلاف شخصی رخ داده باشد.

مکت

گفت وگو با شاهد حادثه

رضا روحانی، موکب‌داری است که سال‌هاست زائران را به کربلا می‌برد. او یکی از افرادی است که روز حادثه در هتل حضور داشت و اگر فداکاری اسدی نبود، شاید او نیز جانش را از دست می‌داد. روحانی در تشریح روز حادثه به جام‌جم گفت: «ساعت ۱۴:۲۰ مشغول استحمام بودم که یک‌دفعه متوجه شدم فردی با لگد در را شکست و یکی از آتش‌نشانان عراقی را همراه با آقا جلال در حالی‌که کیسول اکسیژن در دست داشت، دیدم. وقتی وارد اتاق شدند، آقای اسدی متوجه صدای شرشر آب و حضور فردی در حمام شد، در را شکست و به من گفت متوجه این همه سروصدا در هتل نشدی؟ گفتم نه. سپس به سرعت لباس پوشیدم و از هتل بیرون آمدم. فیلمبردار صحنه فداکاری آقای اسدی من بودم و به چشم دیدم وقتی روی موتور کوئل افتاد. به‌سختی خودش را نگه داشته بود، با تمام سوختگی‌ها و جراحات‌ها شیشه را از بیرون شکست و دوباره وارد هتل شد تا جان سایر بازماندگان را نجات دهد. آشپزخانه هتل در طبقه نهم بود و چون آتش کارکنانش را محاصره کرده بود، خودشان را از پنجره آویزان کرده بودند تا به پایین منتقل شوند. آقا جلال چندبار اقدام به نجات کرد و کودکان زیادی را در حالی‌که از آنها را به پشت کمرش گرفته بود از مهلکه نجات داد. اما بار آخر متأسفانه در آشپزخانه و در میان شعله‌های آتش گرفتار شد و نتوانست خود را نجات دهد. شدت دود تجمع یافته در راهروهای هتل به حدی بود که آقا جلال بعد از کمک به مسافران از حال رفت و او را در حالی‌که بی‌هوش بود به بیمارستان منتقل کردند. من اصلانی‌م دانستم نجات دهنده من و ۱۵ نفر دیگر آقای اسدی است؛ چون من با آقا توحید برادر ایشان دوست بودم. اما اخیر نداشتم برادرش است و بعد متوجه شدم. بعد از این ماجرای تلخ بسیاری از نجات‌یافتگان در صفحه اینستاگرام از شجاعت آقا جلال گفتند که چطور جانش را به خطر انداخته بود. خیلی‌ها دنبال آدرس خانه ایشان بودند تا به مراسم تشییع بیکرش بروند.



[۴] پسر هم بار فداکاری کرد

آن‌طور که مادر این مرد فداکار تعریف می‌کند، او پیش از حادثه هتل کربلا و دو سال قبل هم اقدام به نجات مردم کرده بود. در این حادثه پنج، شش نفر از ساکنان خانهای سه طبقه درگیر آتش‌سوزی شده بودند که او با شجاعت و بدون ترس از عواقب احتمالی به دل آتش زد و ساکنان را از مرگ نجات داد. پیش از سفر هم دو نفر دیگر را از میان آتش نجات داده بود. با همسر این شیرمرد فداکار هم تماس گرفتم تا صحبت کنیم اما شدت غم و اندوه او از آسانی‌اش شدن همسرش به حدی بود که قادر به صحبت کردن نبود.

ویدئو

محکمه

قتل خواهر برای حفظ آبرو

مرد جوان که خواهرش را به طرز هولناکی به قتل رسانده بود، قبل از محاکمه بخشیده شد. به گزارش خبرنگار جام جم، تحقیقات جنایی در این پرونده از پاییز سال گذشته و با شکایت مرد جوانی به نام مه‌ران آغاز شد. مه‌ران در جریان تحقیقات گفت: خواهر ۳۵ساله‌ام به نام مانا چند روز قبل از خانه بیرون رفت و دیگر برنگشت. در این مدت هم گوشی تلفن همراهش خاموش است. احتمال می‌دهم بلایی سر او آمده باشد. پس از این شکایت ماموران بررسی‌های خود را آغاز کرده و در جریان تحقیقات به رفتارهای مه‌ران

مشکوک شدند. مه‌ران به پلیس آگاهی احضار شد و تحت بازجویی قرار گرفت که پرده از راز قتل خواهرش برداشت و گفت: خواهرم ازدواج نکرده بود و رفت‌وآمدهای مشکوکی داشت. شب‌ها دیروقت به خانه می‌آمد و آبروی ما را در محل برده بود. وقتی مطمئن شدم خلاف می‌کند و از این راه پول می‌گیرد، تصمیم به قتل او گرفتم. به بهانه تفریح او را سوار ماشین کرده و به حوالی فیروزآباد رفتم. آنجا روسری را دور دهانش بستم تا خفه‌اش کنم اما قتل‌کرد روسری باز شد. قصد فرار داشت که این بار دست‌وپایش را بستم و روی او بنزین ریختم و

عدلیه

سناریوی سرقت بلاگرزن از خانه کف‌زن بین‌المللی



طرح دوستی به خانه‌اش را یافته. یک روز کلید یک‌کادو صندوق و خانه‌اش را برداشتم و با کمک دو دزد و فرشی‌د، کادو صندوق را خالی کردم. در ادامه فرشی‌د و دو سارق فراری بازداشت شدند. فرشی‌د اعتراف کرد و گفت: من و شاکي سال‌ها در مالزی از جهانگردان دلار کف‌زنی می‌کردیم و با فروش دلارهای تقلبی هم پول کلان به دست آوردیم. سهم هر کدام از ما سه میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان شده بود. او سال ۹۷ سرم کلاه گذاشت.

جام جم

حوادث

INCIDENT

یکشنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۳ ۱۴۰۳ شماره ۶۸۵۶

تالنگر

قصاص؛ فرجام همسرکشی در مدرسه

مرد معتاد که همسر سرایدارش را در مدرسه به قتل رسانده بود، پس از محاکمه به قصاص و دیه محکوم شد.

به گزارش خبرنگار جام‌جم، قریبه‌ه ساعت ۱۸ چهارشنبه بیست‌دوم شهریور سال ۱۴۰۲ را نشان می‌داد که صدای درگیری زن و شوهری جوان از یک مدرسه غیرانتفاعی پسرانه، بلند شد و دقایقی بعد، قتل هولناک یک زن جوان به مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ گزارش شد. تیم جنایی پس از حضور در بیمارستان، در باگرد طبقه اول ساختمان با جسد زن حدود ۴۰ساله‌ای روبه‌رو شدند که از ناحیه پهلو و گردن هدف ضربات چاقو قرار گرفته بود. بررسی‌های اولیه نیز نشان می‌داد یکی از کسبه محل پس از شنیدن فریادهای کمک‌کمک، زن جوان به مدرسه رفته و مشاهده کرده که همسر مقتول با لباس خونین و چهره پریشان از صحنه جنایت در حال فرار است و مدعی بوده با دخترش دعواکرده بود.



دختر این زوج در تحقیقات گفت: مادر یکی از این اتاق‌های مدرسه زندگی می‌کنیم و مادرم نیز سرایدار بود. ساعتی قبل پدرم که به شیشه و هروئین اعتیاد دارد برای خوردن ناهار به خانه آمد اما دعای شدیدی میان آنها شکل گرفت. مادرم سعی کرد فرار کند، ولی پدرم با چاقو دنبالش کرد و در پاگرد طبقه او را با ضربات مهلک چاقو از پا درآورد. مرد جانی‌تکار خیلی زود در یک عملیات غافلگیرانه در انبار رنگ به دام افتاد. متهم در تحقیقات ابتدایی به جرم قتل همسرش با چاقویی که در جیب شلوار خود داشت اعتراف و دلیل ارتکاب به این قتل را مصرف شیشه، هروئین و اختلافات خانوادگی عنوان کرد. پرونده این جنایت با تکمیل تحقیقات برای محاکمه به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد. در جلسه محاکمه در شعبه ۱۱ دادگاه کیفری یک که به ریاست قاضی سجاد منافی‌آذر برگزار شد؛ یکی از اولیای دم درخواست قصاص کرد و بقیه رضایت دادند. سپس متهم به قتل در جایگاه ایستاد و گفت: به خاطر اعتیادم، همسرم قصد جدایی داشت. من عاشق او بودم و نمی‌خواستم جدا شوم، وقتی دیدم اصرار به طلاق دارد با او درگیر شده و با چاقویی که همراه داشتم ضربه‌هایی به شکم و گردن او زدم. بعد هم با دست خفه‌اش کردم. پس از آخرین دفاع متهم قضات حکم به قصاص متهم بعد از پرداخت سهم صغیر صادر کردند. همچنین او به خاطر جراحات‌های غیرمنتظره به مرگ، به پرداخت دیه محکوم شد.

فرار محکوم به قصاص از کانون

پس از ۲۸ سال از ماجرا تحقیقات برای دستگیری قاتل دوباره آغاز شد. پرونده سری که ۲۸ سال قبل دوستش را به قتل رسانده و پیش از اجرای حکم از کانون اصلاح و تربیت وقت گریخته بود، برای دستگیری‌اش دوباره به جریان افتاد. به گزارش خبرنگار جام‌جم، اوایل بهار سال ۱۴۶۵، پسر ۱۶ساله‌ای که از ناحیه سر مصدوم شده بود به بیمارستانی در تهران منتقل شد اما ساعاتی بعد فوت کرد. او مدارک هویتی نداشت و مجهول‌الهو می‌بود. ماموران با بررسی پرونده افراد قعدانی، هویت مقتول را شناسایی کردند. تحقیقات برای راگشایی از این جنایت ادامه داشت تا این‌که ماموران پلیس جنایی پایتخت سرخ‌هایی به دست آوردند که نشان می‌داد او آخرین مرتبه با یکی از دوستانش به نام شاهین ۱۶ساله دیده‌شده است. وی به‌عنوان تنها مظنون تحت تعقیب پلیس تهران قرار داشت. ماموران برای دستگیری او به خانه‌اش هم رفتند، اما وی در خانه نبود و خانواده‌اش خبری از او نداشتند. جست‌وجوها در این رابطه ادامه داشت تا این‌که چند هفته بعد او را که به شهرستان گریخته بود شناسایی و بازداشت کردند. متهم نوجوان به قتل دوستش اعتراف کرد و بعد روانه کانون اصلاح و تربیت شد. او بعد از مدتی در دادگاه جنایی وقت محاکمه شد. این در حالی بود که والدین مقتول برای او درخواست قصاص کرده بودند. در آن جلسه متهم نوجوان در دفاع از خود گفت: من و مقتول دوستان قدیمی بودیم. یک روز که به بوستانی رفته بودیم متوجه شدم او نیت بدی نسبت به من دارد و می‌خواهد مرا مورد آزار و اذیت قرار دهد که با او درگیر شدم و با برداشتن میله‌آهنی آن را به سرش زدم. میله را سمتی انداختم و از ترمس فرار کردم. قضات دادگاه بعد از شنیدن آخرین اظهارات متهم ۱۶ساله او را گناهکار شناختند و حکم به قصاص دادند که رأی در دیوان عالی کشور تایید و به اجرای احکام دادسرای جنایی ارسال شد. متهم در استانه اجرای حکم قصاص قرار گرفته بود که همان سال موقعی که بخشی از دیوار ساختمان محل هواخوری کانون اصلاح و تربیت آسیب دیده بود از آنجا بیرون آمد و موفق به فرار شد. با گذشت ۳۸ سال از فرار این زندانی با دستور قاضی اجرای احکام دادسرای جنایی تهران این پرونده دوباره به جریان افتاد. حالا تحقیقات پلیسی برای یافتن این زندانی محکوم به مرگ آغاز شده است.